

هنر حاضر جوابی و طنازی

نویسنده
پاتریک کینگ



سرشناسه: کینگ، پاتریک King, Patrick

عنوان و نام پدیدآور: هنر حاضر جوابی و طنازی نویسنده پاتریک کینگ؛ مترجم محمد براتی طرقي؛ ویراستار اسماعیل قاسم پور سرچشمه.

مشخصات نشر: ارمغان گیلار، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص. شابک ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۲۷-۳۲-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: be clever, be witty : The art of witty banter : techniques to be clever, be witty

quick, be interesting--create captivating conversation, ۲۰۱۶.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار با عنوان «هنر شوخ طبعی» با ترجمه پری راد توسط نیکووزان در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است.

عنوان دیگر: هنر شوخ طبعی.

موضوع: مکالمه

ارتباط گفتاری

Conversation

Oral communication

شناسه افزوده: براتی طرقي، محمد، ۱۳۵۷-، مترجم

رده بندی دیویی: ۳۰۲/۳۴۶

رده بندی کنگره: ۲۱۲۱BJ

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۰۰۱۳۰۱ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

www.ketab.ir
هنر حاضر جوابی
و طنازی

نویسنده: پاتریک کینگ

مترجم: محمد براتی طرقي

ویراستار: اسماعیل قاسم پور سرچشمه

ناشر: ارمغان گیلار

طراح و صفحه آرا: استودیو جوانه

توبت چاپ: اول ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه: آریا

۹۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۰۲۷-۳۲-۶



گروه انتشارات
ایمان گیلار

تلف: ۰۲۵-۳۷۸۳۷۵۵۸
۰۹۱۳۳۵۱۲۵۵۰
armaghaneqilar@gmail.com
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

۶.....	مقدمه نویسنده.....
۸.....	فصل ۱: هرگز آنقدر مطمئن و کلی صحبت نکنید!
۱۲.....	فصل ۲: پیش از هر واکنشی تفکر کنید.....
۱۶.....	فصل ۳: نداعی آزاد را تمرین کنید.....
۲۰.....	فصل ۴: دیوار چهارم را بشکن (از نقش خود بیرون بیا و گفتگو را ارزیابی کن).....
۲۴.....	فصل ۵: تکنیک "مادر بیا بران".....
۲۷.....	فصل ۶: ایجاد یک رزومه مکالمه.....
۳۳.....	فصل ۷: تکنیک تعیین محدودیت زمانی برای گفتگو.....
۳۶.....	فصل ۸: بر موضوع مورد علاقه خود پافشاری کنید.....
۴۰.....	فصل ۹: از داستان‌های جایگزین استفاده کنید.....
۴۴.....	فصل ۱۰: تکنیک "آزمایش فکر" یا "چگونه محرم راز شویم"؟.....
۴۹.....	فصل ۱۱: مخاطب را معلم خود بدانید.....
۵۸.....	فصل ۱۳: استفاده به جا و هوشمندانه از تکنیک ستایش کردن.....
۶۴.....	فصل ۱۴: از توضیحات دوگانه استفاده کنید.....
۶۸.....	فصل ۱۵: خیلی بانمک و صمیمی سر به سرش بگذارید!.....
۷۵.....	فصل ۱۶: حاضر جوابی‌های بانمک و دلربا.....
۸۱.....	فصل ۱۷: حرکت به ماورای معانی ظاهری الفاظ.....
۸۶.....	خلاصه فصول.....

مقدمه نویسنده

در دوران کودکی، برنامه تلویزیونی مورد علاقه من یکی از کارتون‌های معمولی مثل سرباز جو (GI, Joe) یا مردان ایکس (X-Men) نبود.

وقتی این مطلب را می‌گویم، مردم تصور می‌کنند کودکی بسیار غم‌انگیزی داشته‌ام، اما بی‌علاقگی به این کارتون‌ها به دلیل سختگیری والدینم نبوده است.

کارتون‌ها معمولاً آخر هفته‌ها صبح زود پخش می‌شد، به این معنی که شب قبل باید زود می‌خوابیدم تا به‌موقع برای این کارتون‌ها بیدار شوم اما من همیشه دیر از خواب برمی‌خاستم، بنابراین هیچ‌وقت موفق نشدم این کارتون‌ها را ببینم.

حالا چرا دیر از خواب بیدار می‌شدم؟

چون شب‌ها تا دیروقت بیدار می‌ماندم و نمایش جذاب دیوید لترمن^۱ را تماشا می‌کردم، کسی که بیش از ۳۰ سال مجری برنامه "نمایش دیر هنگام" بود.

آن موقع نمی‌دانستم که دیوید لترمن در میان مجریان برنامه‌های شب‌هنگام تلویزیون، یکی از افسانه‌ای‌ترین آن‌ها بود. البته من فقط این برنامه را تماشا می‌کردم و خیلی از آن سر در نمی‌آوردم ولی تصور می‌کنم انتخاب و معرفی برترین افراد در هر رشته‌ای، برای بزرگ‌ترها جذاب و خنده‌دار بود. او در مورد اقتصاد صحبت می‌کرد، و با وجود اینکه من کاملاً جزئیات این مباحث را متوجه نمی‌شدم ولی کلاً احساس می‌کردم او تلاش می‌کند تا چنین مباحثی را به مخاطبان‌ش منتقل کند و آن‌ها را بخنداند و برادر بزرگم خنده‌اش می‌گرفت.

کم‌کم که بزرگ‌تر شدم متوجه شدم "لترمن" واقع از چه روش‌ها و تکنیک‌های استفاده می‌کند تا بتواند به مخاطب خسته و کسل خود انرژی و نشاط ببخشد و چگونه بخش‌های کسل‌کننده را به قسمت‌های جذاب و بامزه تبدیل کند. به‌خصوص که او قادر بود با روشی هوشمندانه شوخی و بذله‌گویی کند، با رهبر گروه، مهمانان و حتی با خودش. البته به‌طور کاملاً محترمانه و از این طریق برنامه را با نشاط و پرنرژی پیش

^۱ David Letterman

ببرد. "لترمن" مانند تفلون بسیار صاف و نرم و دل‌نشین بود، او همیشه مخاطبان را با خود همراه می‌کرد و به نظر می‌رسید هیچ چیز او را نگران نمی‌کند، و یکی دو تا لطیفه و کنایه بامزه همیشه در آستین دارد.

به نظر می‌رسید که او می‌تواند در مورد هر چیزی شوخی کند البته کاملاً بجا و پسندیده و شوخی‌هایش هرگز یخ و بی‌موقع نبود.

وقتی روز بعد در مدرسه تلاش کردم از "لترمن" تقلید کنم، موفق نبودم همین ناکامی باعث شد به فکر فروبروم که چگونه یک شخص می‌تواند این قدر روان و جذاب صحبت کند؟

چگونه می‌توانید نه فقط همیشه چیزی برای گفتن داشته باشید، بلکه لطیفه و کنایه‌ای بانمک و به‌جا برای گفتن داشته باشید؟ شوخی طبعی و بذله‌گویی هم‌زمان شامل چند مهارت است؛ حاضر جوابی، دلربایی، ذکاوت و سرعت. وقتی تصور می‌کنید که چگونه می‌توان این همه احساس مختلف را به یک‌باره به دیگران منتقل کرد تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد.

اما این‌ها صرفاً یک مهارت است درست مثل زدن توپ بیس‌بال یا سبدبافی زیرآب که با شناخت الگوها و مبانی این مهارت می‌توانید تمرین کرده و مهارت خود را ارتقا ببخشید و هنگامی که به اندازه کافی تمرین کنید آن‌ها به غریزه و عادت تبدیل می‌شوند که به راحتی آن رفتار را از خود بروز می‌دهید زیرا آن‌ها به صورت دوم شما تبدیل شده‌اند. **این کتاب قصد دارد یکی از بهترین ابزارهای شوخ طبع شدن و حاضر جوابی شما، مهارتی که همیشه آرزو داشتید بر آن مسلط شوید.**

شما یاد خواهید گرفت که چگونه سریع و به موقع اظهار نظر کنید و با چه روش‌هایی همه این مهارت‌ها باهم ترکیب می‌شوند به طوری که شما به فردی جذاب و بانمک برای دیگران تبدیل می‌شوید و سایرین برای صحبت کردن با شما ارزش قائل می‌شوند.

در این کتاب ما به زبان ساده تکنیک‌ها و روش‌هایی را به شما می‌آموزیم که در یک گفتگو با هر موضوعی می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید و اگر در موقعیتی گیج شده‌اید یا سکوتی ناخوشایند را در جمع خود مشاهده کردید، با مهارت کامل راه‌هایی برای پاسخگویی به مردم بیابید و یخ جمع را شکسته و نشاط و سرزندگی را به آنان هدیه دهید.